

نوشته : دکتر هوشنگ مقتدر

همکاریهای منطقه‌ای ایران

یکی از تحولات مهم روابط بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی گسترش و رشد سریع سازمانهای منطقه‌ای بوده است . قطع نظر از بحث‌ها و گفتگوهای که درباره سیستم‌های منطقه‌ای (Regionalism) و جهانی (Universalism) بعمل آمده است ، صاحب‌نظران متفق‌القولند که رشد و گسترش سریع سازمانهای منطقه‌ای پس از جنگ مبنای نظری (تئوریک) نداشته بلکه پاسخی عملی به نیازهای عینی و تحولات سیاسی دنیای پس از جنگ بوده است^(۱) .

گروه‌بندی‌های منطقه‌ای پس از جنگ را میتوان بطور کلی تحت دو عنوان تقسیم‌بندی کرد :

اول : گروه‌بندی‌های نظامی و سیاسی (Politico-Military Groupings) مانند سازمان پیمان اطلانتیک شمالی (ناتو) ، پیمان ورشو ، پیمان سنتو ، آنزوس و سیتو .

دوم : گروه‌بندی‌های اقتصادی و اجتماعی (Socio-Economic Groupings) مانند بازار مشترک اروپا (EEC) و بازار ذغال و فولاد اروپا (ECSC) بین شش کشور اروپای غربی .

1—Ronald J. Yalem, Regionalism and World Order, Public Affairs Press, Washington, D. C., 1965 ; A. H. Robertson, European Institutions, Praeger, 1966 ; Good Speed, The Nature and Functions of International Organizations, Stevens, 1967; A.H. Robertspn, The Law of International Institious, in Europe, 1961.

صاحب نظران علت گسترش سازمانهای نوع اول را تحولات سیاسی جهان پس از جنگ دانسته اند . بگفته آنان از آن جا که سیستم امنیت دسته جمعی مقرر در منشور و اصولاً خود سازمان ملل متحد بر مبنای همکاری پنج کشور معظم استوار بوده است و این همکاری بعلت برخورد های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و مسلکی دو قدرت بزرگ پس از جنگ (آمریکا و شوروی) ممکن نگردیده است ، کشورها برای حفظ امنیت خود بسوی سیستم های منطقه ای روی آورده اند و فقدان سیستم جهانی را با ایجاد سازمانهای منطقه ای جبران کرده اند^(۱) در مورد سازمانهای نوع دوم باید مقتضیات تکنیک تولید - انقلاب در وسائل حمل و نقل و نیاز وهم بستگی روز افزون کشورها بیکدیگر را از علل گسترش این قبیل سازمانها نام برد . امروز تقریباً در هر نقطه ای از جهان سازمانهای منطقه ای اعم از سیاسی و نظامی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی رشد و گسترش یافته اند . کشورهایائی که بطور طبیعی در یک منطقه واقع شده اند و دارای پیوندهای جغرافیائی ، سنت های مشترک فرهنگی و زبانی و تاریخی بوده اند ، یا با یکدیگر بهر حال در امری سهم اشتراک داشته اند از مجرای یک سازمان منطقه ای در راه وصول هدفهای مورد نظر کوشش کرده اند . دولت ایران نیز که در منطقه حساسی از جهان واقع شده از این قاعده مستثنی نبوده است . بنابراین در این جا پیمانهای مهم منطقه ای را که دولت ایران در عصر جدید عضویت آنها را داشته است پیشنهاد بحث خود مینمائیم . این پیمانها بترتیب تاریخ عبارتند از پیمان سعدآباد - پیمان سنتو و سازمان عمران منطقه ای .

۱- پیمان سعدآباد :

سابقه همکاری های منطقه ای ایران در دوره معاصر با مضای پیمان سعدآباد باز میگردد که نخستین پیمان منطقه ای در نوع خود در خاورمیانه است . این پیمان

1 — R.Y. Yalém, «Regionalism and World Order», *INTERNATIONAL AFFAIRS*, Vol. 38, 1962. P. 460 ff.

در ژوئیه ۱۹۳۷ بین دولت ایران و کشورهای ترکیه - عراق و افغانستان در کاخ سعدآباد باامضاء رسید . هدف دیپلماسی ایران در این زمان برقراری روابط دوستانه و سیاست حسن همجواری با کشورهای همسایه بود تا انرژی ایران برای مقابله بانفوذ اقتصادی و سیاسی شوروی و بریتانیا آزاد گردد^(۱) بنابراین دولت ایران ابتداء به حل اختلاف های مرزی که سالها مایه کدورت و کشاکش بین ایران و همسایگان آن کشور بود همت گماشت و باین منظور یک سلسله پیمانهای دوجانبه بین ایران و کشورهای ترکیه و عراق و افغانستان بین سالهای ۳۷-۱۹۳۱ باامضاء رسید که موجب حل این گونه اختلاف ها گردید . فقط پس از عقد این پیمانها بود که زمینه برای امضای پیمان سعدآباد آماده گردید . پیمان سعدآباد در واقع یک پیمان عدم تجاوز و مشورت بود که بموجب آن کشورهای عضو تعهد میکردند که تمامیت ارضی یکدیگر را محترم بدارند و در مسائل مورد علاقه باهم مشورت کنند . ارکان پیمان مزبور عبارت بود از یک شورای وزیران که سالانه تشکیل جلسه میداد و یک دبیرخانه . شورای وزیران بلافاصله پس از تشکیل به پاس کوششهای ایران در تأسیس پیمان ، نامزدی ایران را بعنوان عضو غیر دائمی شورای جامعه ملل پشتیبانی کرد و ایران در سپتامبر ۱۹۳۷ به عضویت شورای جامعه ملل انتخاب شد^(۲) .

پیمان بغداد - بعداً سازمان پیمان مرکزی (CENTO) .

پیمان بغداد یک پیمان نظامی بود که از موافقت نامه دوجانبه بین عراق و ترکیه در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ سرچشمه گرفت . امضای این پیمان بدنبال مسافرت دالس در تابستان ۱۹۵۳ به پایتخت های کشورهای خاورمیانه صورت گرفت . هدف وی از این سفر بررسی امکان تشکیل یک سازمان دفاعی به منظور تکمیل زنجیر

۱ - R.K. Ramazanian, The Foreign Policy of Iran, A developing Nation in World Affairs, University Press, Virginia, 1966, PP. 272-6.

۲ - Ibid.

دفاعی غرب در برابر گسترش نفوذ شوروی در خاورمیانه بود. با آنکه دولت آمریکا ابتکار عمل را در دست داشت ولی از پیوستن به پیمان خودداری کرد و دولت بریتانیا با الحاق به پیمان بغداد نقش مهمی را بعهدہ گرفت. دولت پاکستان در سپتامبر و دولت ایران در اکتبر سال ۱۹۵۵ به پیمان مزبور ملحق شدند. دلیل عدم عضویت آمریکا بگفته صاحب نظران^(۱) عدم تمایل آن کشور به تحریک شوروی و پرهیز از مناقشه در سنا و جلب دوستی اعراب بود. دولت آمریکا امیدوار بود تعداد بیشتری از کشورهای عربی به عضویت پیمان درآیند ولی این هدف با آرمانهای ناسیونالیست‌های عرب سازگار نبود. برخلاف دولت عراق که عضویت در جامعه عرب را با پیمان بغداد سازگار میدانست، دولت مصر معتقد بود تا زمان حصول هدفهای ناسیونالیسم عرب باید از همکاری با کشورهای غربی خودداری کرد. بعلاوه دولت مصر، عراق را به خاطر عضویت در پیمان بغداد در جامعه عرب تحت فشار قرار داد و حمایت آمریکا را از پیمان بغداد کوششی برای تجزیه جامعه عرب قلمداد کرد. هرچند دالس در مورد عضویت کشورهای عربی توفیق نیافت ولی عضویت کشورهای شمالی منطقه تا اندازه‌ای این امر را جبران کرد. دولت ترکیه قبلاً عضو سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) بود و طبعاً پایه اصلی پیمان جدید محسوب میشد. از طرف دیگر دولت پاکستان میتواندست پایه شرقی پیمان باشد. نفوس کثیر پاکستانی در جناح غربی میتواندست نقشی مشابه نقش سربازان هندی در ارتش انگلستان، در زمان جنگ بعهدہ داشته باشد.

ایران بعلت موقع حساس جغرافیائی و استراتژیکی خود در پیمان مقام مرکزی داشت. برای ایران پیوستن به پیمان بغداد یک تصمیم مهم بود زیرا ایران که تا آن زمان از سیاست بیطرفی پیروی کرده بود خود را با غرب متحد میساخت. وقایعی

1 — John C. Cambell, Defense of the Middle East, Problems of American Policy, (Praeger Paperbacks, 1961) P. 60

چند خواه داخلی و خواه خارجی مسئول این تصمیم بوده است. اعلام بیطرفی ایران در جنگ دوم جهانی نتوانسته بود ایران را از یورشهای ناجوانمردانه قدرتهای بزرگ مصون دارد. پس از پایان جنگ بموجب تعهداتی که کشورهای متفق در حین جنگ بعهده گرفته بودند قرار بود کلیه نیروهای اشغالی ظرف شش ماه پس از پایان جنگ خاک ایران را تخلیه کنند. ادامه اشغال خاک ایران توسط شوروی و پشتیبانی آن کشور از تجزیه طلبان ایالات شمالی ایران، طبعاً ایران را بطرف اتحاد با کشوری سوق میداد که منافع آن کشور با حفظ تمامیت ارضی ایران تطبیق میکرد. بعلاوه دولت ایران مایل بود ارتش این کشور را مجهز به سلاحهای جدید کند و دولت آمریکا طی دکترین ترومن و برنامسهائی نظیر اصل ع آمادگی خود را برای کمک به کشورهایی که مایل بودند با نفوذ کمونیسم مقابله کنند اعلام کرده بود^(۱) عدم عضویت بعدی آمریکا البته موجب ناخرسندی کشورهای عضو پیمان شد ولی دولت آمریکا بموجب قراردادهای همانندی که با سه کشور ترکیه، ایران و پاکستان در مارس ۱۹۵۹ امضاء کرد تعهد خود را در مورد ارسال کمک نظامی و اسکان *حزب* / تمامیت ارضی سه کشور اعلام کرد.

معدلک تعهد آمریکا در مورد اخیر به قوت تعهد آن کشور در مورد پیمان آناتلیک شمالی که ترکیه عضویت آنرا داشت نبود. در ماده ۵ پیمان ناتو اصل دفاع دسته جمعی و تضمین سرحدات کشورهای عضو پیمان پذیرفته شده بود و حال آنکه در قراردادهای دوجانبه ایالات متحده آمریکا با کشورهای منطقه چنین تعهدی دیده نمیشود.

عضویت تنها دولت خارج از منطقه، بریتانیا، طبعاً از منافع سنتی آن کشور در خاورمیانه سرچشمه میگرفت. دولت بریتانیا مایل بود پس از تخلیه پایگاههای خود در مصر، در عراق جای پای خود را حفظ کند. قراردادهائی که آن کشور در

1 — Spehr Zabih, «Iran's International posture», *The Middle East Journal*, (Summer 1970) PP. 302 ff,

این مورد با عراق داشت نزدیک با تمام بود و منافع وسیع نفتی بریتانیا در خلیج فارس، آن کشور را به لزوم حفظ پایگاههای دریائی و هوائی در این منطقه تشویق میکرد. طبق گزارش ایدن به مجلس عوام، انگلستان کلیه تسهیلات و پایگاههای خود را در عراق حفظ میکرد و وظیفه آموزش نیروی هوائی عراق را عهده‌دار میشد^(۱). در ژوئیه ۱۹۵۸ با کودتای قاسم در عراق کشور مزبور از عضویت پیمان کناره گرفت و پس از چندماه مرکز پیمان از بغداد به آنکارا انتقال یافت ولی تبدیل نام آن به سنتو ^{تا} اوت سال بعد ^{تغییر شد} صورت ^{گرفته} گرفت.

اختیار عنوان پیمان مرکزی برای پیمان مزبور حکایت از موقع مرکزی پیمان در سلسله پیمانهای دفاعی غرب دارد. پیمان مزبور از یک سو به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و از سوی دیگر به پیمان آسیای جنوب شرقی (سیتو) می‌پیوندد. از سال ۱۹۴۰ بعد یک سلسله روی دادها بتدریج موجب کاهش اهمیت سنتوشده است: تخفیف جنگ سرد - بهبود روابط شوروی با همسایگان جنوبی آن از جمله ایران - تغییر جهت سیاست خارجی ایران از وابستگی به غرب بطرف یکنوع سیاست عدم وابستگی و برقراری روابط دوستی و پیوندهای مفید اقتصادی با شوروی از قبیل قرارداد ساختمان ذوب آهن - که از محل گاز طبیعی ایران پرداخت میگردد و نیز امضای قراردادهای پایای اقتصادی با کشورهای اروپای شرقی از جمله این روی دادها است^(۲) فعالیت‌های دیگر ایران و شوروی مانند همکاری در پروژه سد

۱ - دولت بریتانیا بموجب قرارداد اتحاد مورخ ۱۹۳۰ با عراق دارای پایگاهها و تسهیلات نظامی در این کشور بود. دره آوریل ۱۹۵۵ قرارداد دیگری جانشین قرارداد مذکور شد که بگفته ایدن کلیه حقوق بریتانیا را در عراق برای آن کشور حفظ میکرد.

Keesing's Cont. Arch., 1955, P. 14137.

ارس و برق آبی آن و اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی نواحی وسیعی از شمال ایران از جمله روی دادهائی است که سنتور را مانند سالهای ۱۹۵۰ غیرقابل اجتناب نمیسازد. دولت روسیه نه تنها مانند سالهای بلافاصله پس از جنگ دوم ادعای ارضی و سیاست تجاوزی در مورد ترکیه و سایر همسایگان جنوبی خود نداشته بلکه با کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکیه و ایران قراردادهای وام و اعتبار متعدد امضاء کرده است و آنها را در برنامه‌های توسعه اقتصادی خود یاری نموده است. عوامل مزبور و وقایعی مانند درگیری آمریکا در جنگ ویتنام و نزدیکی بین شرق و غرب سبب شده است تا پیمان سنتو ارزشی را که در سالهای ۱۹۵۰ دارا بود نداشته باشد. در سال ۱۹۵۶ بدنبال جنگ پاکستان و هند بر سر کشمیر، دولت پاکستان از کشورهای دیگر عضو پیمان تقاضای کمک نظامی کرد.

دولت انگلستان قبلاً اعلام کرده بود که تعهدات آن کشور شامل کشورهای مشترك المنافع (کامانولث) نخواهد شد. دولت آمریکا نیز بدنبال جنگ کشمیر کمکهای نظامی خود را به هند و پاکستان هر دو قطع کرد. رفتار همانند دولت آمریکا بایک کشور عضو پیمان و یک کشور بیطرف خالی از شگفتی و برخی نتیجه‌گیری‌ها در پایتخت‌های کشورهای خاورمیانه نبود. در سئاله قبرس نیز با آنکه دولت ترکیه نیروهای کافی برای اشغال قبرس در اختیار داشت معذکک وجود ناوگانهای آمریکا در مدیترانه هشدار برای ترکیه محسوب میشد که از دست‌زدن به اقدامات تند خودداری کند. تجربیات فوق سبب شد که دولت ایران در مورد احتیاجات نظامی خود از وابستگی کامل به یک دولت بزرگ پرهیز کند و اسلحه مورد نیاز خود را از صنایع گوناگون و از آن میان شوروی تهیه نماید. با این وصف وزرای خارجه کشورهای عضو سنتو در بیانیه‌های منتشره در اجلاس سالانه خود هیچگونه تردیدی در اهمیت پیمان سنتو باقی نمیگذارند و نیروهای کشورهای عضو بمنظور تأمین هم‌آهنگی در عملیات دفاع مشترك همه ساله طبق برنامه در مانورهای مشترك نظامی و دریائی و هوائی شرکت میکنند.

سازمان همکاری عمران منطقه‌ای

(Regional Cooperation for Development)

کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان سه کشور مسلمان غیر عرب خاورمیانه، قبلاً از طریق سازمان پیمان مرکزی (سنتو) با یکدیگر همکاری‌های نزدیک اقتصادی و نظامی داشتند. کشورهای مزبور بعلت داشتن وجوه اشتراك مذهبی - فرهنگی و سیاسی تصمیم گرفتند که خارج از کشمکش بلوک‌های شرق و غرب و بدون عضویت کشورهای غیر منطقه‌ای بمنظور توسعه اقتصادی و اجتماعی خود و بالابردن سطح زندگی مردم کشورهای خود با یکدیگر همکاری کنند. بنابراین پس از مذاکرات مقدماتی بین وزرای خارجی سه کشور، سران کشورهای پاکستان، ترکیه و ایران در ۲۰-۲۱ ژوئیه ۱۹۶۴ در استانبول اجلاس کردند و طی بیانیه‌ای تشکیل یک شورای وزیران و یک شورای برنامه ریزی منطقه‌ای مرکب از رؤسای سازمانهای برنامه سه کشور را اعلام کردند؛ سران کشورهای مزبور همچنین در مورد هدفهای زیر با یکدیگر بتوافق رسیدند:

الف - جریان آزاد یا آزادانه تر کالا بین سه کشور.

ب - تهیه و اجرای طرحهای اقتصادی مشترك.

ج - همکاری بین اطاقهای تجارت سه کشور.

د - همکاری در زمینه خدمات پستی و هوایی - راه و راه آهن - جهانگردی و

کمکهای فنی.

ه - تحکیم پیوندهای فرهنگی بین سه کشور.

فعالیتهای مذکور زیر عنوان همکاریهای عمران منطقه‌ای (R. C. D.) صورت

میگرفت.

مطالعه هدفهای فوق نشان میدهد که سازمان عمران منطقه‌ای نه در صدد

تشکیل یک اتحادیه گمرکی (A Customs Union) و نه در پی ایجاد یک بازار مشترک (Common Market) است . هدفهای سازمان عمران منطقه‌ای از هردوی اینها محدودتر است . بعوض ایجاد یک اتحادیه گمرکی، سازمان عمران منطقه‌ای فقط درصدد کاهش تعرفه و سایر موانع گمرکی است . هدف از اقدام اخیر آنست که تجارت بین سه کشور افزایش یابد و مراودات تجاری گسترش یابد . بعوض ایجاد یک بازار مشترک کوشش میشود که از طریق شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای بین برنامه‌های عمرانی سه کشور هم‌آهنگی برقرار گردد . نقش مهم در این زمینه بعهدہ طرحهای مشترک اقتصادی است که با کمک و همکاری سه کشور تأسیس و اداره میشود . طرحهای اقتصادی سنگین که یک کشور بتنهائی قادر به تأسیس آن نیست از طریق سرمایه‌گذاری مشترک و قبول تعهدات مشترک تأسیس و حمایت میگردد .

همکاری در زمینه ارتباطات از قبیل ساختن شاهراههای زمینی و ایجاد سرویسهای مشترک کشتیرانی و هواپیمائی و کاهش نرخ پست و غیره روابط بین سه کشور را تسهیل کرده و تجارت را تشویق میکند . اسکان استفاده ایران از بنادر ترکیه در دریای سیاه مانند بندر طرابوزان و با طرح ساختمان خط لوله نفت از جاهای نفت جنوب ایران به یکی از بنادر ترکیه در مدیترانه مانند بندر اسکندرون از جمله طرحهایی است که هدف آن توسعه همکاریهای اقتصادی و تجاری بین کشورهای عضو است . هدف از شناساندن فرهنگ و سنتهای مشترک سه کشور ایجاد تفاهم بیشتر و فراهم ساختن زمینه همکاری در امور اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی است . در مورد هدفهای سیاسی، گرچه مقامات سه کشور تأکید کرده‌اند که هدفهای سازمان عمران منطقه‌ای صرفاً اقتصادی است ولی وجود منافع سیاسی را در چارچوب R. C. D. نمیتوان انکار کرد . هر سه کشور در منطقه با مسائل و مشکلاتی روبرو بوده‌اند که نیاز به پشتیبانی و حمایت اعضای دیگر را ایجاب می‌کرده است . ترکیه در مورد قبرس و پاکستان درمسأله کشمیر و ایران اخیراً درمسأله شط‌العرب و مسائل ناشی

از خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس در پایان سال ۱۹۷۱ به پشتیبانی یکدیگر نیازمند بوده‌اند .

در هر یک از موارد فوق کشورهای عضو RCD دست کم پشتیبانی سیاسی خود را از طرف دیگر اعلام کرده‌اند و این پشتیبانی در بیانیه‌های مشترک شورای وزیران RCD پیاپی منعکس گردیده است .

تشکیلات و وظایف : به منظور تهیه و تنظیم و اجرای طرح‌های مختلف در سطح منطقه‌ای ، ارکان زیر در داخل سازمان عمران منطقه‌ای پیش‌بینی گردیده است :

۱- شورای وزیران (The Council of Ministers) همکاری عمران منطقه‌ای مرکب از وزرای خارجه سه کشور که عالمتربین رکن تصمیم‌گیرنده سازمان میباشد و دست کم دو بار در سال تشکیل جلسه میدهد . شورای وزیران طرحها و اقداماتی که توسط شورای برنامه‌ریزی بآن پیشنهاد میشود پس از بررسی تصویب میکند .

۲- شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای (The Regional Planning Council) شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای مرکب از رؤسای سازمان برنامه‌های سه کشور است . این شورا پیرامون طرح‌های مشترک و قراردادهای خرید دراز مدت و تأمین هم‌آهنگی بین طرح‌های مشترک و برنامه‌های عمرانی سه کشور و اقداماتی که لازم است نسبت به تسریع و اجرای آنها بعمل آید اظهار نظر مینماید و توصیه‌های لازم به شورای سازمان تسلیم مینماید .

۳- کمیته‌های ثابت : کمیته‌های ثابت بعنوان سومین رکن سازمان عمران منطقه‌ای از نمایندگان سه کشور تشکیل میشوند و موجبات ارتباط و تماس لازم را بمنظور هم‌آهنگی در طرح‌های خاص و مشترک کشورهای عضو فراهم میسازند . تعداد این کمیته‌ها پس از تجدید نظری که در هفتمین اجلاس شورای وزیران صورت گرفت از شانزده کمیته به هفت کمیته ثابت بشرح زیر تقلیل یافت :

کمیته صنایع - کمیته نفت و پتروشیمی - کمیته بازرگانی - کمیته حمل و نقل

و مخابرات - کمیته همکاری فنی و امور اداری - کمیته امور اجتماعی و کمیته هم‌آهنگی .

دبیرخانه : دبیرخانه سازمان عمران منطقه‌ای از دبیرکل و ۶ مدیر (۲ نفر ازهر کشور) و سه معاون مدیر (یک نفر ازهر کشور) و کارمندان دفتری از اتباع سه کشور تشکیل میشود^(۱) . دبیرکل برای مدت سه سال به نوبت از اتباع کشورهای عضو انتخاب میشود . وظیفه دبیرخانه انجام خدمات عادی اداری و برقراری ارتباط بین سه کشور است .

سایر ارکان و مؤسسات وابسته :

اطاق بازرگانی مشترک :

اطاق بازرگانی و صنعت منطقه‌ای مرکب از اطاق‌های تجارت و صنعت سه کشور است و هدف آن آشنا کردن تجار کشورهای عضو با بازارهای یکدیگر و تشویق جریان تجارت از طریق توحید تشریفات بازرگانی و تشویق سرمایه‌گذاری و حل اختلاف از طریق داوری میباشد . دبیرخانه اطاق تجارت مشترک در تهران قرارداد که مسئول گردآوری و توزیع اقلام آماری و دیگر اطلاعات لازم مربوط به بازرگانی و مراودات تجاری بین کشورهای عضو است . دبیرخانه همچنین کوشش میکند که طرح‌های لازم را برای افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری بین سه کشور تهیه و به مقامات دولتهای مربوطه تسلیم نماید .

همچنین سازمان عمران منطقه‌ای دارای یک مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای (در تهران) - یک مرکز بیمه منطقه‌ای (در کراچی) و یک مرکز کشتیرانی منطقه‌ای (در استانبول) است . بودجه مؤسسه تحقیقات فرهنگی از طرف سه کشور پرداخت میگردد و هدف

۱ - نخستین دبیرکل سازمان فئواد روحانی از ایران بود که قبلاً سمت دبیر کلی اوپک را بعهده‌دار بود . پس از وی این سمت بترتیب به نماینده پاکستان مسرت حسین و نماینده ترکیه و هاب اسیروقلو (Asiroglu) واگذار شد .

آن آشنائی بیشتر بامیراث فرهنگی سه کشور از طریق ترجمه آثار نویسندگان - برگزاری سمینار - مبادله استاد و دانشجو بین سه کشور است .

مرکز کشتیرانی منطقه‌ای مسئول بسط و توسعه خطوط کشتیرانی منظم حمل و نقل و فراهم آوردن تسهیلات بیشتر در امور بازرگانی داخل و خارج منطقه است . تشکیل یک شرکت هواپیمائی مشترک نیز مورد تصویب قرار گرفته و مقدمات تشکیل آن فراهم شده است .

اقتصاد و تجارت کشورهای عضو سازمان عمران منطقه‌ای :

جمعیت RCD تقریباً معادل جمعیت عضو کشورهای بازار مشترک و نزدیک به ۱۸۰ میلیون نفر میباشد اما در حالیکه بازار مشترک اروپا بین کشورهای بوجود آمد که از نظر توسعه اقتصادی و صنعتی کاملاً پیشرفته بودند ، کشورهای عضو RCD کشورهای در حال توسعه میباشند که کم و بیش در مراحل اولیه توسعه صنعتی قرار دارند . کل تولید ناخالص ملی کشورهای RCD در (۶۸-۱۹۶۷) بالغ بر ۳۳ میلیارد دلار یعنی ده درصد کل تولید ناخالص ملی کشورهای بازار مشترک بوده است (ایران هفت میلیارد - پاکستان ۱۴ و ترکیه ۱۲ میلیارد دلار) . پاکستان بزرگترین عضو منطقه و دارای $\frac{۲}{۳}$ کل جمعیت و ۴ درصد کل تولید ناخالص ملی RCD میباشد . متوسط درآمد سرانه در منطقه پائین و معادل ۲۰۰ دلار است . درآمد سرانه پاکستان خیلی کمتر از ترکیه و ایران میباشد^(۱) .

از نظر بنیان اقتصادی، نفت در ایران نقش مهمی در تولید (در حدود ۱۸ درصد تولید ناخالص ملی) و صادرات - موازنه پرداختها و تأمین برنامه‌های عمرانی دارد ، در حالیکه ترکیه و پاکستان از ثروت طبیعی مشابهی برخوردار نیستند . کشاورزی هنوز بزرگترین بخش اقتصادی در سه کشور است و قسمت مهم سکنه به آن اشتغال دارند و حجم بیشتر درآمد صادراتی را در دو کشور ترکیه و پاکستان تشکیل میدهد . سهم کشاورزی در مجموع تولید ناخالص ملی (GNP) ایران و ترکیه تقریباً یکسان

(بترتیب ۲۴٪ و ۲۸٪ ولی در پاکستان تقریباً دو برابر این رقم است (۴۶٪) .
سه کشور بسرعت در راه صنعتی شدن تلاش میکنند . رشد صنعتی در سه کشور
در ۵ سال اخیر در ایران ، ترکیه ، پاکستان بترتیب ۱۳٪ - ۱۲٪ - ۱۰٪ بوده
است . در هر سه کشور تأکید در صنعتی شدن بی نیازی از کالاهای مصرفی است .
در مورد ترکیه بخش فلزات پایه و ماشین و وسایل الکتریکی از اهمیت بیشتر برخوردار
است . هر سه کشور نیازمند وارد کردن کالاهای سرمایه‌ای بمنظور توسعه اقتصادی
خود میباشند . اهمیت بخش صنعتی در سه کشور تقریباً برابر است . چنانکه این
رقم در مورد ترکیه ۱۵٪ ، در مورد ایران ۱۳٪ (بدون احتساب نفت) و در مورد
پاکستان ۱۲٪ میباشد . هر سه کشور برای تأمین ارز مورد نیاز برای خرید کالاهای
سرمایه‌ای به صادرات خود متکی هستند . این صادرات بر چند کالای سنتی متمرکز
است : در مورد ایران نفت . ۹٪ حجم کل صادرات را تشکیل میدهد . مابقی
صادرات از کالاهائی مانند پنبه - فرش و خشکبار تشکیل میشود . پاکستان ۷٪
صادراتش را کنف ، پنبه و مصنوعات مربوط بآن تشکیل میدهد .
 $\frac{۲}{۳}$ صادرات ترکیه نیز از پنبه ، تنباکو ، فندق و کشمش حاصل میشود .
سهم کالاهای ساخته شده یا نیم ساخته شده در ترکیب صادرات پاکستان بیش از
دو کشور دیگر و معادل ۶٪ است^(۱) . این مصنوعات غالباً از مواد خامی که
در محل بدست میآید مانند پنبه و کنف ساخته میشود . سهم کالاهای ساخته شده
در مجموع صادرات ترکیه و ایران در حدود ۱٪ است . ترکیه و پاکستان هر دو
بعلت مضیقہ منابع ارزی مجبور به محدود کردن صادرات خود هستند . در صورتیکه
ایران بعلت درآمد ارزی نفت از این جهت با اشکال کمتری روبرو است . از اینرو
با اینکه تولید ناخالص ملی ایران از ترکیه و پاکستان کمتر است معذکک درصد
واردات ایران، از دو کشور دیگر در منطقه بیشتر میباشد (ایران ۴٪ - ترکیه ۲۵٪ -
پاکستان ۳۵٪) .

کالاهای سرمایه‌ای نصف کسل واردات را در هر سه کشور تشکیل می‌دهند .
 سهم مواد خام و کالاهای میانه (مانند مواد شیمیائی) در ایران ۲۷٪ در پاکستان ۳۲٪ و در ترکیه ۴۷٪ است . ایران هنوز مقدار قابل ملاحظه‌ای کالاهای مصرفی وارد میکند (۲۵٪ کسل واردات) ولی واردات مصرفی در ترکیه و پاکستان بسختی محدود شده است (ترکیه ۵٪ - پاکستان ۷٪) . رشد اقتصادی ایران در ۵ سال اخیر از ترکیه و پاکستان سریع‌تر بوده است (ایران ۹٪ - ترکیه و پاکستان ۶٪) - سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص ملی در ایران ۱۸٪ در ترکیه ۱۶٪ و در پاکستان ۱۴٪ بوده است . برنامه چهارم ایران (۷۲ - ۱۹۶۸) رشد کلی را سالانه ۹٪ و رشد صنعتی را ۱۵٪ تعیین کرده است . در برنامه دوم ترکیه (۷۲ - ۱۹۶۸) رشد اقتصادی سالانه ۷٪ و رشد صنعتی که بخش مهمی را تشکیل می‌دهد ۱۲٪ تعیین شده است . پاکستان نیز در برنامه چهارم (۷۵ - ۱۹۷۰) نمیتواند رشدی بالاتر از ایران داشته باشد . در برنامه چهارم ایران توسعه صنایع مورد تأکید قرار گرفته است و میزان سرمایه‌گذاری بشرح زیر تقسیم شده است : معدن و صنایع مکانیکی - الکتریکی و حمل و نقل ۲۲٪ ، مواد شیمیائی و پتروشیمی ۲۸٪ ، صنایع فلزی مانند ذوب آهن ۲۲٪ .

باتوجه به شاخص‌های اقتصادی مذکور در فوق میتوان نتیجه گرفت که بنیان اقتصادی سه کشور با اندک اختلاف‌های فردی به هم شبیه است و هر سه کشور در مراحل مشابه توسعه صنعتی هستند .

تجارت بین کشورهای منطقه در شش سالی که از تأسیس سازمان میگذرد پائین‌ترین سطح بین تمام گروه‌های اقتصادی منطقه‌ای را داشته است و حجم آن از یک درصد مجموع تجارت کشورهای R.C.D. تجاوز نکرده است .

جدول زیر تجارت ایران را با کشورهای R.C.D. و بقیه جهان طی هشت سال گذشته نشان میدهد :

ارقام به میلیون دلار *

سال	۱۹۶۹	۱۹۶۸	۱۹۶۷	۱۹۶۶	۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	۱۹۶۲
۱- کل صادرات ⁺⁺	۲۴۴۹۹	۲۸۰۰۰	۱۸۱۵۸	۱۵۷۵۰	۱۸۰۰۸	۱۵۳۳۱	۱۳۸۵۲	۱۱۴۷۷
۲- صادرات به کشورهای RCD	۱۷۳	۱۷۲	۱۷۰	۱۷۷	۲۷۱	۱۷۹	۱۷۴	۱۷۵
۳- درصد نسبت به کل	۰.۷	۰.۶	۰.۹	۱.۱	۱.۵	۱.۲	۱.۲	۱.۳
۴- کل واردات	۱۵۳۵۵۶	۱۴۲۵۰۰	۱۱۹۰۷۳	۹۶۲۵۷	۸۶۹۵۵	۷۴۲۷۳	۵۱۳۵۵	۵۴۷۷۸
۵- واردات از کشورهای RCD	۶۷۲	۵۵۰	۴۷۲	۲۷۸	۲۷۷	۱۲۷۳	۱۷۲	۳۷۹
۶- درصد RCD نسبت به کل	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۳	۰.۳	۱.۷	۰.۳	۰.۷

* ملاحظه: آمار بازرگانی خارجی ایران.

⁺⁺ نفت و فرآورده‌های نفتی مستثنی شده است.

بطوریکه آمار فوق نشان میدهد تجارت داخل منطقه از زمان تشکیل RCD (۱۹۶۴) خواه بطورمطلق و خواه نسبت به حجم کل تجارت، افزایش نشان نداده است.

صادرات و واردات کشورهای RCD بطور متعادل توسعه نیافته است. صادرات پاکستان بر وارداتش فزونی داشته است. ایران بیشتر وارد کننده بوده است. ترکیه با صدور محصولات کشاورزی و حیوانی (مانند گوشت) به ایران توانسته است جبران عدم تعادل با پاکستان را بنماید. همچنین ترکیب تجارت منطقه دستخوش دگرگونی بوده است. درابتدا شکر ترکیه معادل نیمی از تجارت منطقه بوده و کف و محصولات کفنی پاکستان در ۶۸-۱۹۶۷ نیمی از تجارت منطقه را تشکیل میداد^(۱). بطوریکه سیستم پرداختهای چند جانبه RCD نشان میدهد، در فاصله تابستان ۱۹۶۹ تا تابستان ۱۹۷۰ ایران معادل شش میلیون دلار از پاکستان کالا خریداری کرده است. بزرگترین رقم وارداتی از ترکیه گوشت (متجاوز از ۴ میلیون دلار) و از پاکستان کف و محصولات کفنی (۲ میلیون دلار) بوده است. در سال مورد بحث ایران به ترکیه صادراتی نداشته است و صادرات آن به پاکستان از چند هزار دلار تجاوز نکرده است^(۲).*

طرح‌های مشترك: حجم اندك تجارت بين کشورهای RCD زياد مایه

۱- متخذ از گزارش سازمان ملل در باره RCD.

۲- گزارش بانک مرکزی ایران در مورد سیستم پرداختهای چندجانبه بین کشورهای RCD، ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۰.

*نفت بهترین جریان تجارت بین سه کشور است ولی صدور آن توسط کنسرسیوم صورت میگیرد.

بموجب اقداماتیکه بعمل آمده است ترتیباتی برای اکتشاف و بهره برداری نفت در ایران با شرکت کشورهای RCD داده شده است.

شگفتی نیست زیرا بطوریکه در کشورهای توسعه یافته دیده شده است فقط پس از توسعه صنعتی است که میتوان به بالا رفتن سطح تجارت امیدوار بود. صاحب نظران اظهار امیدواری کرده اند که با اجرای طرحهای صنعتی مشترک سطح تجارت در RCD افزایش خواهد یافت. تاکنون تعدادی صنایع مشترک به مرحله اجرا گذارده شده که با پیروی از اصل تخصص و اقتصاد در مقیاس وسیع و وجود یک بازار ۱۸۰ میلیونی، زیست پذیر و قابل رقابت خواهد بود. نحوه اشتراك سه کشور در این گونه صنایع متفاوت است. مثلاً مالکیت مشترک سه جانبه خواه با استفاده از سرمایه دولتی و خواه با شرکت دادن سرمایه داران خصوصی - مالکیت یک کشور با تعهد خرید محصولات از طرف دو کشور دیگر - تأسیس وسائل تولید در یک کشور یا وارد کردن مواد خام از کشور دیگر.

در اجلاس سوم شورای وزیران مقرر گردید که هر یک از کشورهای ایران - پاکستان - ترکیه - درباره طرحهای صنعتی زیر مطالعه و نتیجه را گزارش کنند:

ایران: الکترونیک - آلومینیوم - دارو - رنگ - مواد شیمیائی - روغن ماشین.

پاکستان: وسائل نقلیه - ماشینهای الکتریکی - ابزار مهندسی - ماشین آلات - کاغذ و خمیر کاغذ - کاغذ اسکناس - ابزار کشاورزی.

ترکیه: سیمان - لوکوموتیو - قند - کشتی سازی - آهن و فولاد - ذغال.

این گزارشها همه تهیه شده و مورد مطالعه قرار گرفته و برخی از آنها به مرحله اجراء و تولید رسیده است. تا این تاریخ، ۵ طرح مورد تصویب قرار گرفته است و از آن میان ۲ طرح در مراحل مختلف اجراء و تولید میباشند. مانند طرح آلومینیوم در ایران - کاغذ اسکناس و ماشین آلات در پاکستان - ماشین برای صنایع چای و تانگستن کاربرد در ترکیه. در زمینه های نفت و پتروشیمی کشورهای ترکیه و پاکستان اظهار علاقه کرده اند که با شرکت ملی نفت ایران در امر اکتشاف - حفاری و بهره برداری از منابع نفتی شرکت کنند. مذاکرات در این زمینه و همچنین در مورد ساختن لوله ای

بمنظور جریان نفت ایران به یکی از بنادر ترکیه در مدیترانه و به پالایشگاهی که در ازبیر در دست ساختمان است مورد رسیدگی میباشد .

ارزیابی سازمان عمران منطقه ای - گونا میردال ، اقتصاددان معروف سوئدی که مطالعات وسیعی درباره مسائل کشورهای آسیائی و افریقائی و جهان سوم دارد، مهمترین مانع توسعه این کشورها را شرایط نامساعد تجارت خارجی آنها میداند . بهر ای این نویسنده تا زمانیکه شرایط تجارت بین المللی که به زیان کشورهای توسعه نیافته است تغییر نکند ، نمیتوان به شکستن دائره بسته فقر که گریبانگیر این کشورهاست امیدوار بود^(۱) . کشورهای توسعه نیافته غالباً صادرکننده مواد اولیه و خام هستند و در مقابل کالاهای صنعتی و تولیدی از کشورهای توسعه یافته خریداری میکنند . با توجه به کاهش پی در پی ارزش مواد اولیه و خام در بازارهای بین المللی و ترقی قیمت محصولات صنعتی ، وضع غیرقابل تحملی بوجود آمده است که در اثر آن کشورهای توسعه نیافته روز بروز فقیرتر و کشورهای توسعه یافته روز بروز غنی تر میشوند .

بمنظور بررسی این وضع و اندیشیدن چاره ای برای آن به توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل یک کنفرانس توسعه و تجارت نخست در ژنو در ۱۹۶۴ و سپس در تابستان ۱۹۶۸ در دهلی نو تشکیل شد . خطوط تقسیم در این کنفرانس ، بخلاف تقسیم معمول شرق و غرب ، بر مبنای شمال و جنوب بود بطوریکه کشورهای توسعه نیافته و فقیر در یک گروه و کشورهای توسعه یافته صنعتی در گروه دیگر قرار گرفتند . یکی از توصیه های مهم کنفرانس که تحت القاء اقتصاددان معروف آرژانتین (Raul Prebisch) بعمل آمد، این بود که کشورهای توسعه نیافته به منظور تحکیم مبانی اقتصادی ملی خود به کمک یکدیگر گروه های اقتصادی منطقه ای تشکیل دهند^(۲) .

۱ - نگاه کنید به میردال، گونار : تئوری اقتصادی و کشورهای کم رشد ، ترجمه

غلامرضا سعیدی ، تهران ، ۱۳۴۴ .

2 — Sidney Wells, «The Developing Countries, GATT, and UNCTAD», INTERNATIONAL AFFAIRS, January 1969, PP. 64-80 .

دکتر پریچ، قبلاً نیز در مقام دبیر کل کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای امریکای لاتین (ECLA) توصیه کرده بود که این کشورها به منظور کاهش واردات خود از کشورهای توسعه یافته، با یکدیگر تشریک مساعی کرده و نیازهای خود را تا سرحد امکان از داخل منطقه تأمین نمایند^(۱). فکر ساوراء سازمان عمران منطقه‌ای نیز از همین منطق سرچشمه میگیرد. کشورهای عضو با تشریک منابع و امکانات و استعدادهای خود میتوانند به عوض تکیه به محصولات خارجی، نیازهای خود را از داخل منطقه تأمین کنند. گرچه در حال حاضر کشورهای مزبور بطور طبیعی مکمل یکدیگر نیستند زیرا هر سه کشور صادرکننده مواد اولیه و واردکننده کالاهای تولیدی و صنعتی هستند (و این امر حجم اندک تجارت منطقه را توجیه میکند) ولی با توسعه پروژه‌های مشترک میتوان از یک سو تجارت را بین کشورهای عضو افزایش داد و از سوی دیگر موجبات تقویت بنیه اقتصادهای ملی آنها را فراهم ساخت. باین منظور کشورهای عضو باید هم‌آهنگی و همکاری بیشتری از خود نشان دهند. بنا بدعوت کشورهای عضو RCD، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۸ یک گروه کارشناس برای مطالعه موانع تجاری بین کشورهای عضو و طرق برطرف کردن آن به منطقه ارسال داشت. گروه کارشناسان مزبور ضمن مطالعه جامع خود، اقلای از کالاهائی را که کشورهای عضو میتوانند به عوض وارد کردن از خارج از داخل منطقه تأمین کنند تهیه و ارائه نمود و نیز پیشنهاد کرد که تعرفه‌های گمرکی و سایر موانع بازرگانی که مانع از جریان تجارت منطقه است کاهش یابند. بدیهی است پیروی از این گونه پیشنهادات محتاج به همکاری بیشتر کشورهای عضو است که به عوض منافع آنی و زودگذر منافع دراز مدت خود را در نظر گیرند. با وجودیکه اعلامیه‌های صادره توسط سه کشور نیت کشورهای عضو را به تقویت هرچه بیشتر RCD نشان میدهد ولی برخی گرایشها در داخل منطقه مانع از تحقق کامل این هدف است.

از جمله میتوان عضویت ترکیه را در سازمانهای اروپائی نظیر سازمان همکاری توسعه اقتصادی (OECD) و وابستگی آن کشور را به بازار مشترک اروپا (E.E.C.) و نیز عضویت پاکستان را در گروه کشورهای مشترک المنافع نام برد. دولت ترکیه با وابستگی به بازار مشترک اروپا بتدریج اقتصاد خود را در جهت هدفهای بازار مشترک تطبیق میکند و لذا نمیتواند در آینده آن چنانکه برای ایران مقدور است یک سیاست بی قید و شرط همکاری منطقه ای در پیش گیرد. عوامل روانی نیز مانند توجه ترکیه به اروپا بی شک در کیفیت همکاری آن کشور بی دخیل نیست. هر سه کشور اکنون سرگرم بررسی پیشنهادهای سازمان ملل میباشند. گام هائی که در اجرای این پیشنهادها برداشته خواهد شد تا حدی مسیر آینده RCD را روشن خواهد کرد.